

نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی

کمالیحه رحیمی / کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی، گرایش خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

malihehrahimi_psy@yahoo.com

dr.zadeh@gmail.com

علی زاده‌محمدی / دانشیار گروه مطالعات بنیادین، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

باقر غباری بناب / استاد گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

bghobari@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. بدین‌منظور، ۳۹۵ فرد متأهل ساکن شهر تهران (۱۹۸ زن، ۱۹۷ مرد) در سال ۹۷-۹۸، به روش نمونه‌گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به مقیاس‌های تصور از خدای مظهاری و همکاران (۱۳۸۴)، ناگویی هیجانی بگی و همکاران (۱۹۹۴) و رضایت زناشویی اولسون و همکاران (۱۹۸۹) پاسخ دادند. نتایج نهایی حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از این بود که ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند. علاوه بر این، ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی، ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و در نهایت، ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی به دست آمد. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود. به‌عبارت دیگر، کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی می‌تواند چگونگی ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی را بهتر تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: تصور از خدا، رضایت زناشویی، ناگویی هیجانی.

در سال‌های اخیر، میزان مطالعاتی که به بررسی پدیده رضایت زناشویی پرداخته‌اند، رو به افزایش بوده و به‌طور کلی، نتایج حاکی از تأثیر مجموعه علل مختلف بر رضایت زناشویی است (جکسون و دیگران، ۲۰۱۴). گودارد، مارشال، اولسون و دنیز (Goddard, Marshall, Olson & Dennis) (۲۰۱۲) رضایت زناشویی را به‌عنوان حالت هیجانی فرد، نشئت‌گرفته از رضایت از تعاملات، تجارب و انتظارات از زندگی مشترک مشخص کرده‌اند. کوچار و شارما (Kochar & Sharma) (۲۰۱۵)، ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی را تعریفی مناسب برای سازه رضایت زناشویی تلقی کرده‌اند که می‌تواند انعکاسی از میزان شادکامی و احساس مطلوب زوجین نسبت به رابطه زناشویی و تلاش در جهت برآورده کردن مهم‌ترین نیازهای شریک خود باشد.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که زوجین در افزایش کیفیت روابط و حل و فصل تعارضات زناشویی خود مؤثر می‌دانند، برقراری رابطه با خداست (مارکس، ۲۰۰۵). براساس گفته گودمن (Goodman) (۲۰۰۴)، زوجین مقیدتر به انجام اعمال مذهبی بر این باور هستند که خداوند در زندگی زناشویی آنان دخیل است. همچنین، این دسته از زوجین معتقدند که از طریق تشکیل زندگی مشترک می‌توان به خدا نزدیک‌تر شد و ارتباط با خدا را نوعی عامل پیشگیری‌کننده و یا اصلاح‌کننده تعارضات زناشویی قلمداد می‌کنند (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸). با وجود این، رابینسون و بلنتون (Robinson & Blanton) (۱۹۹۳) به احتمال وجود رضایت زناشویی پایین در برخی از زوجین دارای تقید بالا به انجام اعمال مذهبی و بالعکس، امکان تجربه رضایت زناشویی بیشتر در برخی از زوجین دارای تعهدات مذهبی کمتر اشاره کرده‌اند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد صرف ارتباط با خدا از طریق انجام اعمال عبادی، مذهبی و یا معنوی مانند نماز، روزه و دعا و نیایش موجب تغییر در وضعیت زندگی زناشویی نمی‌شود؛ بلکه فراتر از آن، چگونگی برقراری ارتباط با خداوند و نوع تصور افراد متأهل از او حائز اهمیت است. دلتون (۲۰۱۸) بیان کرده که تصور از خدا در قالب خدای مهربان و عاشق، در مقایسه با تصور از او به‌عنوان خدای تنبیه‌کننده و طردکننده، تأثیرات مثبتی بر کیفیت روابط زن و شوهر و در نهایت، افزایش رضایت زناشویی دارد.

همچنین، شیکیدا و همکاران (۲۰۱۵) بیان کرده‌اند زوجین بسته به میزانی که خداوند را مقتدر، بانفوذ یا گرم و صمیمی تصور کنند، روابط زناشویی متفاوتی را تجربه می‌کنند و رویکردهای مختلفی را درباره شیوه‌های رفتار با همسر به کار می‌برند. همچنین، گودمن (۲۰۰۴) در رابطه با اهمیت نقش تصور از خدا در روابط زناشویی اظهار کرده‌است که پژوهشگران باید به بررسی راهکارهایی بپردازند که زوجین به وسیله آنها بتوانند خداوند را در روابط زناشویی خود مؤثر ببینند. گرنکوئیست، میکولینسر و شاور (Granqvist, Mikulincer & Shaver) (۲۰۱۰) و نافکی و هال (Noffke & Hall) (۲۰۰۷) اظهار کرده‌اند که تصور مثبت از خدا تأثیر بسزایی بر اصلاح و ترمیم روابط زناشویی دارد.

داشتن رابطه‌ای با خدا که موجب شود فرد احساس کند خداوند همیشه در دسترس و پاسخگو به نیازهای اوست (استراب (Straub)، ۲۰۰۹)، از طریق ایجاد مهارت‌های تنظیم هیجانی سازگارانه و کاهش تعارضات زناشویی (غباری‌بناب و فرخ‌آبادی، ۲۰۱۸)، زمینه را برای افزایش رضایت زناشویی فراهم می‌کند (استراب، ۲۰۰۹). افزون بر این، توانایی ابراز، تشخیص و تنظیم هیجانات، یکی دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، براساس گفته کوردووا، گی و وارن (Cordova, Gee & Warren) (۲۰۰۵) است. بهزیستی روان‌شناختی افراد به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر روابط بین فردی صمیمانه قرار دارد و توانایی برقراری و تداوم روابط عاشقانه و رضایت بخش نیازمند قابلیت تشخیص هیجانات و ابراز آنها (کارتون، کسلر و پاپی (Carton, Kessler & Pape)، ۱۹۹۹) و درک و توجه به احساسات دیگران است (واچس (Wachs) و کوردووا، ۲۰۰۷). همچنین، گرایش به شناخت ماهیت بین فردی مشکلات روان‌شناختی سابقه‌ای طولانی دارد و اهمیت آن، به‌ویژه در روابط زناشویی قابل توجه است. عدم توانایی در توصیف، ابراز و تنظیم هیجانات، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل تأثیر این مشکلات شناخته شده است (هیون و جوسف (Hyun & Joseph)، ۲۰۱۰).

با وجود این، عدم توانایی یا توانایی محدود در تشخیص، توصیف، ابراز و تنظیم هیجانات موجب می‌شود زوجین نتوانند به سهولت رضایت زناشویی را تجربه کنند. یکی از مناسب‌ترین توصیف‌ها برای کمبود، نقص یا فقدان توانایی این دسته از افراد، ناگویی هیجانی است. ناگویی هیجانی، یک ویژگی شخصیتی نسبتاً پایدار (ساندر و اسشر (Sander & Scherer)، ۲۰۰۹) و مرتبط با مشکل در شناسایی، پردازش و توصیف هیجانات، ذهنی‌سازی، تخیل و جهت‌گیری تفکر عینی به‌شمار می‌رود (تیلور و دیگران، ۲۰۱۴).

بی‌ثباتی و آشفتگی روان‌شناختی تجربه‌شده در روابط بین فردی، در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی، کیفیت رابطه زناشویی و به‌تبع، رضایت زناشویی آنان را متأثر می‌کند (ونگلیستی و دیگران، ۲۰۰۰).

ناگویی هیجانی برقراری و تداوم تعاملات صمیمانه را با مشکل مواجه می‌سازد و بدین‌وسیله، مشکلات بین فردی زوجین را افزایش می‌دهد. همچنین، سطوح پایین‌تر همدلی در افراد با درجات مختلف ناگویی هیجانی، رضایت زناشویی آنها را کاهش می‌دهد (خواجه و خضری‌مقدم، ۱۳۹۵).

آنتاس، کولک، بونایر و ایدیر (Untas, Koleck, Bonnaire & Idier) (۲۰۱۵) نیز بیان کرده‌اند درجات بالاتر ناگویی هیجانی منجر به کاهش استفاده از سبک‌های مقابله‌ای مثبت در برابر استرس و کاهش رضایت زناشویی می‌شود.

از سوی دیگر، پژوهش‌های متعدد یکی از عوامل مؤثر بر عدم توانایی در ابراز، توصیف، تنظیم هیجانات و همدلی را رابطه شخصی فرد با خدا تلقی کرده‌اند. عدم توانایی در برقراری رابطه ایمن و عاشقانه با خدا و نداشتن باور به خدای حمایت‌کننده موجب افزایش استرس روان‌شناختی و حالات عاطفی منفی در افراد می‌شود (برادشاو و دیگران، ۲۰۱۰؛ هومن و بویاتزیس، ۲۰۱۰). نورنزیان، گرویس و ترزنسیوسکی (برادشاو و دیگران، ۲۰۱۰؛ هومن و بویاتزیس، ۲۰۱۰). نورنزیان، گرویس و ترزنسیوسکی (Norenzayan, Gervais & Trzesniewski) (۲۰۱۲) و گرویس (۲۰۱۳) به رابطه مثبت و معنادار

سطوح بالای مهارت در همدلی و ذهنی‌سازی با باور به خدا اشاره و بیان کرده‌اند در افرادی که مهارت‌های ذهنی‌سازی و همدلی کمتر است، به علت قدرت تخیل پایین‌تر و درواقع، سبک تفکر عینی بیشتر، احتمال اینکه باوری راجع به خداوند در ذهن آنها شکل گیرد، بسیار کم است. لازم به یادآوری است که در این‌گونه یافته‌ها، گرایش به مذهب و تقید به انجام اعمال مذهبی زمینه‌ای مهم و ضروری برای دستیابی به تصور مثبت از خدا تلقی شده است. باور به خداوند نزدیک به انسان و حامی با اضطراب و افسردگی پایین‌تر توأم است (فیلیپس و دیگران، ۲۰۰۴)، درحالی‌که باور به اینکه انسان از سوی خداوند مورد تنبیه قرار گرفته و یا طرد شده، با گستره وسیعی از اختلالات روان‌شناختی و درواقع، مؤلفه‌های همبسته با ناگویی هیجانی مانند اضطراب، افسردگی، پارانوئیا، وسواس و روان‌پریشی ارتباط مثبت معناداری دارد (پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۶).

علی‌رغم یافته‌های مطالعات پژوهشی گوناگون، مبنی بر همبستگی بین قدرت ابراز، توصیف و تنظیم هیجانات و رضایت زناشویی، بالاخص در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی (بشارت، ۲۰۰۹) و نیز تأثیر برقراری رابطه مطلوب و ایمن با خدا بر افزایش کیفیت و میزان رضایت از زندگی زناشویی (رابرتز (Roberts)، ۲۰۱۷)، آنچه پژوهشگر پس از بررسی پژوهش‌های مختلف در این دو زمینه به آن دست یافته، نمایانگر این مسئله مهم است که پژوهشگران خانواده، تاکنون به بررسی چرایی و چگونگی عدم موفقیت بسیاری از زوجین ایرانی در بهره‌مندی از فواید ارتباط مطلوب و مناسب با خدا نپرداخته‌اند. البته، تناقض موجود بین اغلب یافته‌های تجربی، مبنی بر تأثیر قابل‌توجه تصور از خدا بر توانایی ابراز، توصیف و تنظیم هیجانات و برخی از نتایج پژوهش‌های علمی، ازجمله (براون (Brown)، ۲۰۱۴) که بر نقش قدرت ابراز و تنظیم هیجانات در چگونگی تصور افراد از خدا تأکید کرده است، یکی دیگر از علل ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد.

همچنین، تا جایی که نتایج جست‌وجوهای پژوهشگر نشان می‌دهد، مطالعات مشابه اندکی، در ایران و یا در خارج از کشور، در زمینه رابطه تصور از خدا با رضایت زناشویی و رابطه تصور از خدا با ناگویی هیجانی انجام شده است. از سوی دیگر، با توجه به یافته‌های پژوهشی مزبور، مبنی بر رابطه ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی، رابطه مؤلفه‌های همبسته با ناگویی هیجانی مانند انواع مشکلات روان‌شناختی با تصور از خدا و با لحاظ کردن این نکته که پژوهش‌ها صرفاً به بررسی ارتباط بین توانایی ابراز، تشخیص و تنظیم هیجانات با رابطه با خدا و تصور از او پرداخته‌اند و تصور از خدا را در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی، به‌طور خاص افراد متأهل دارای این ویژگی مورد توجه قرار نداده‌اند، پژوهشگر درصدد بررسی رابطه بین تصور از خدا و رضایت زناشویی افراد متأهل دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی و تعهد به انجام اعمال مذهبی (نماز و روزه) است. به‌عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا بین تصور از خدا و رضایت زناشویی افراد متأهل ارتباط معناداری وجود دارد، یا اینکه متغیرهای دیگری همچون ناگویی هیجانی، می‌تواند در این رابطه نقش واسطه‌ای ایفا کند؟

شکل ۱: مدل نظری پژوهش حاضر



روش پژوهش

روش این پژوهش، همبستگی و جامعه آماری آن، تمام افراد متأهل ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. در رابطه با تعیین اندازه نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری اختلاف نظر وجود دارد. استیونس (۲۰۱۲) حداقل پنج و حداکثر ۱۵ نفر به ازای هر مؤلفه را مناسب می‌داند. بنابراین، ابتدا حجم نمونه با در نظر گرفتن ۱۵ نفر به ازای مؤلفه‌های هریک از متغیرهای پژوهش، معادل ۳۴۵ نفر محاسبه شد. اما به دلیل احتمال ریزش ۳۰ درصدی، نمونه‌ای با حجم تقریبی ۴۴۵ فرد متأهل به صورت در دسترس در نظر گرفته شد که پس از ریزش به ۳۹۵ نفر (۱۹۸ زن و ۱۹۷ مرد متأهل) رسید. همچنین، دشواری در دسترسی به زنان و مردان متأهل به شیوه تصادفی و نیز امکان سهولت بیشتر در روند توزیع پرسش‌نامه‌ها موجب اتخاذ روش نمونه‌گیری در دسترس شد.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، سکونت در شهر تهران، سپری‌شدن مدت زمان حداقل دو سال از زندگی مشترک، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، زندگی با همسر خود در حال حاضر و داشتن فرزند بود. همچنین، عدم پاسخ‌گویی به بیش از ۱۰ درصد از سؤالات و سابقه اختلال روانپزشکی به گزارش خود افراد، به‌عنوان ملاک‌های خروج از پژوهش در نظر گرفته شدند.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه جمعیت‌شناختی

در این پرسشنامه، علاوه بر پرسیدن سؤالاتی درباره مواردی نظیر جنسیت، سن، سطح وضعیت اقتصادی و میزان تحصیلات، دو سؤال مربوط به میزان تقید به انجام اعمال مذهبی (نماز و روزه) و میزان مذهبی‌بودن، براساس طیف لیکرتی از هیچ تا خیلی زیاد گنجانده شده است.

۲. مقیاس رضایت زناشویی

برای سنجش میزان رضایت زناشویی از فرم متوسط مقیاس «رضایت زناشویی انریچ» که توسط اولسون، فورنیر و دراکمن (۱۹۸۹) و با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و نقاط قوت موجود در روابط زناشویی ساخته شده است، استفاده شد. خرده‌مقیاس‌های موجود در فرم متوسط و ۴۷ سؤالی این مقیاس، شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی است.

فلورز (Fowers) و اولسون (۱۹۸۹) ضرایب آلفای کروناخ پرسش‌نامه انریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. آلفای کروناخ برای سنجش پایایی این مقیاس با استفاده از روش همسانی درونی، در دو گروه زنان و مردان ۰/۹۶ به دست آمده است (فینچام و دیگران، ۲۰۰۲). اعتبار این آزمون در پژوهش *خواجه* و خضری‌مقدم (۱۳۹۵)، با استفاده از ضریب آلفای کروناخ، ۰/۷۶ به دست آمد.

۳. مقیاس تصور از خدا

برای سنجش چگونگی تصور افراد از خداوند، مقیاس تصور از خدا استفاده شد. *لاورنس* (۱۹۹۷) با تجزیه و تحلیل هنجاریابی ۱۵۸۰ آزمودنی، مقیاس تصور از خدا را در دو قسمت ۷۲ ماده‌ای و ۶ زیرمقیاسی و ۳۶ ماده‌ای و ۳ زیرمقیاسی، به‌عنوان زیرمجموعه و فرم کوتاه‌شده پرسش‌نامه تصور از خدا ساخت و همبستگی درونی آن را به‌دست آورد. این مقیاس توسط متخصصان زبان‌شناسی به فارسی برگردانده شد. سپس براساس این مقیاس، مظاهری و همکاران (۱۳۸۴) مقیاس ۳۳ ماده‌ای تصور از خدا را با توجه به فرهنگ جامعه اسلامی، در شش زیرمقیاس بازسازی کردند.

لاورنس (۱۹۹۷) ضریب آلفای کروناخ را برای زیرمقیاس‌های حضور، چالش، پذیرندگی، خیرخواهی، تأثیرگذاری و مشیت الهی، به ترتیب، ۰/۹۵، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۲ به دست آورده است. به‌طور کلی، روایی این مقیاس و همبستگی درونی زیرمقیاس‌ها در مطالعات متعدد، رضایت‌بخش گزارش شده است (هال و سورنس (Sorence)، ۱۹۹۹).

۴. مقیاس ناگویی هیجانی

مقیاس ناگویی هیجانی با هدف سنجش شدت و درجه ناگویی هیجانی افراد متأهل به کار برده شد. این مقیاس یک آزمون ۲۰ سؤال‌ی و شامل سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص و شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و سبک تفکر عینی است که توسط بگی، پارکر و تیلور (۱۹۹۴) ساخته شده است. این سه زیرمقیاس به ترتیب، دارای ۷، ۵ و ۸ سؤال است.

محمد (۱۳۸۰) اعتبار کل مقیاس را در نمونه‌ای ایرانی، با استفاده از روش دومینه‌کردن و بازآزمایی، ۰/۷۴ و ۰/۷۲ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ گزارش کرد. بگی و همکارانش (۲۰۰۳) و *ژو، یائو، رایدر* (Zho, Yao & Ryder)، تیلور و بگی (۲۰۰۷) پژوهشی مروری روی این آزمون انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که آزمون ناگویی هیجانی تورنتو به ۱۸ زبان زنده دنیا ترجمه شده، روایی سه عامل آن در ۱۹ کشور مورد پژوهش قرار گرفته و ساختار آن از نظر فرهنگ و زبان عمومیت دارد. همچنین، در این پژوهش، به‌طور میانگین، آلفای کروناخ قابل قبول ۰/۷۶ گزارش شده است. زیمرمن و دیگران، ۲۰۰۷، ضرایب آلفای کروناخ را برای زیرمقیاس‌های دشواری در توصیف احساسات، ۰/۷۱، دشواری در شناسایی احساسات، ۰/۶۶ و جهت‌گیری تفکر عینی، ۰/۴۳ به‌دست آوردند.

شیوه تحلیل داده‌ها

نرمال بودن داده‌های پژوهش پیش از تجزیه و تحلیل داده‌ها بررسی شد؛ بدین صورت که داده‌های پرت تک‌متغیری از طریق مراجعه به جدول فراوانی، رسم نمودار جعبه‌ای و محاسبه میزان کجی و کشیدگی و داده‌های پرت چندمتغیری نیز با استفاده از محاسبه فاصله مهالانویس، از بین مجموع داده‌ها حذف شدند. از سوی دیگر، مقادیر داده‌های مفقود نیز از طریق روش جایگزینی میانگین به دست آمد. سپس، مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس ۲۱، به منظور بررسی نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی و آزمون همبستگی پیرسون، با هدف سنجش چگونگی روابط متغیرها با یکدیگر انجام شد.

یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش شامل ۳۹۵ فرد متأهل با میانگین و انحراف استاندارد ۷۷/۳۸ و ۱۴/۴۲ بود. از بین افراد نمونه، ۱۹۸ نفر، زن و ۱۹۷ نفر، مرد بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، دارای تحصیلات دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، به ترتیب ۱۱۲، ۵۹، ۱۵۱، ۶۵ و ۸ نفر بودند و دامنه سنی آنان از ۲۰ تا ۶۰ سال متغیر بود.

جدول ۱: نتایج آزمون شاپیرو-ویلک درباره نرمال بودن توزیع داده‌ها

| متغیرها | سطح معنی‌داری |
|---------------|---------------|
| تصور از خدا | ۰/۰۰۰ |
| ناگویی هیجانی | ۰/۰۳ |
| رضایت زناشویی | ۰/۰۰۰ |

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

| روابط شاخص‌ها | ارتباط تصور از خدا با رضایت زناشویی | ارتباط تصور از خدا با ناگویی هیجانی | ارتباط ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی |
|---------------|-------------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ضریب همبستگی | ۰/۳۹* | -۰/۳۳* | -۰/۳۵* |
| سطح معناداری | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |

نتایج جدول (۲) حاکی از ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی و ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و نیز، ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی است.

علاوه بر این، از آنجاکه نتایج حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که مقادیر شاخص‌های برازش مدل به میزان مطلوب و قابل قبول نزدیک هستند، مدل اصلاح شد و پس از اصلاح مدل، مقادیر به حد مطلوب بسیار نزدیک‌تر شدند؛ بدین صورت که میزان شاخص‌های نسبت آماره^۲ خی دو به درجه آزادی، نیکویی برازش، نیکویی برازش اصلاح‌شده، برازش تطبیقی و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، به ترتیب، ۲/۴۳، ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۹۱ و ۰/۰۶ به دست آمد. همچنین، برای اینکه مدلی برازش قابل قبول داشته باشد، نباید میزان شاخص CMIN معنادار باشد. در این پژوهش، میزان این شاخص معنادار به دست آمد که به‌تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تعیین عدم برازش مدل باشد.

با وجود این، برای اینکه مدلی برازش داشته باشد، باید اندازه ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم نیز معنادار باشند. در ادامه، میزان ضرایب استاندارد و سطح معناداری آنها، برای تعیین برازش نهایی مدل نظری پژوهش گزارش شده است.

جدول ۳: ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیرمستقیم و کل و سطح معناداری آنها در مدل نظری پژوهش

| متغیر ملاک | متغیرهای پیشین | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کل | واریانس تبیین شده | سطح معناداری اثرات غیرمستقیم | سطح معناداری اثرات مستقیم |
|-----------------------|----------------|------------|---------------|--------|-------------------|------------------------------|--|
| روى رضایت زناشویی از: | تصور از خدا | ۰/۳۲ | ۰/۰۹ | ۰/۳۱ | ۰/۲۲ | $P= 0/000 \leq 0/05$ | $-0/۱۸۳ - 0/۲۵۶$ $P= 0/000 \leq 0/05$ |
| | ناگویی هیجانی | -۰/۳۶ | - | -۰/۳۶ | -۰/۳۶ | - | $-۰/۳۲ - -۰/۳۹۹$ $P= 0/000 \leq 0/05$ |
| روى ناگویی هیجانی از: | تصور از خدا | -۰/۲۵ | - | -۰/۲۵ | -۰/۲۵ | - | $-۰/۳۹ - -۰/۲۱۲$ $P= 0/000 \leq 0/05$ |

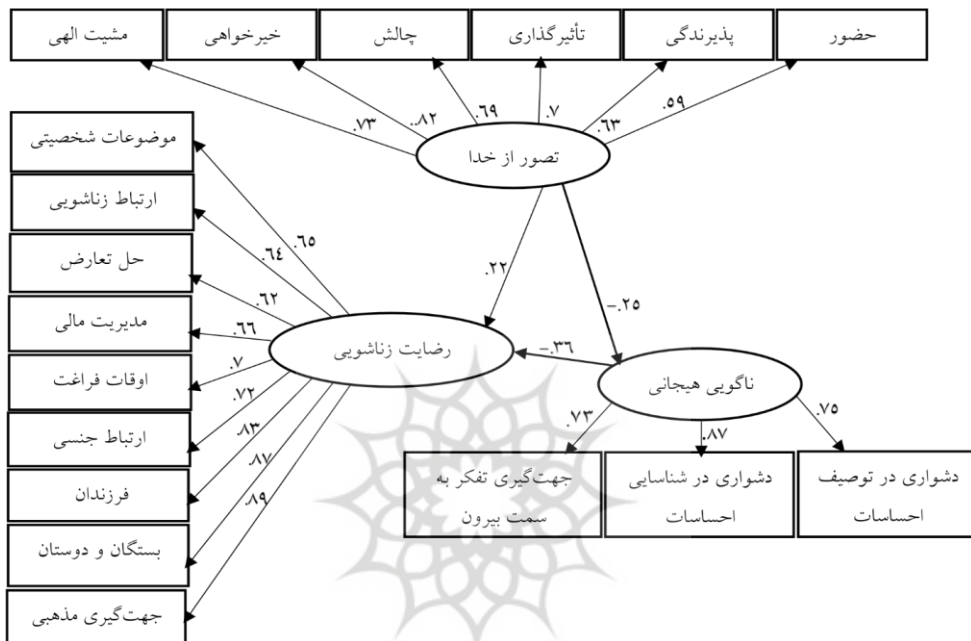
مقادیر معنی داری آزمون بوت استرپ نمایانگر اثر مثبت و معنادار تصور از خدا روی رضایت زناشویی، اثر منفی و معنادار تصور از خدا روی ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی روی رضایت زناشویی است. همچنین، نتایج این آزمون نشان داد که ضریب استاندارد غیرمستقیم در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی، در سطح ۰/۰۵ معنادار است. حال، با توجه به نتایج موجود در جدول (۳) و نیز میزان شاخص‌های برازش مدل نظری می‌توان استنباط کرد که مدل نظری از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. در واقع، داده‌های نمونه قابلیت حمایت از مدل نظری پژوهش را دارد. همچنین، برازش نسبتاً خوب مدل بیانگر این است که می‌بایست نتایج حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری، با احتیاط به جامعه آماری این پژوهش تعمیم داده شود. به عبارت دیگر، ممکن است برازش مدل نظری، صرفاً آماری باشد و در دنیای واقعی نتوان به سهولت و به‌طور منطقی، شاهد وجود چگونگی روابط بین متغیرها براساس نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری بود.

در ادامه، با در نظر گرفتن این مسئله و با توجه به معناداری ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم، چگونگی روابط بین متغیرها شرح داده شده است.

معناداری ارتباط غیرمستقیم تصور از خدا با رضایت زناشویی نشان می‌دهد که ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری جزئی ایفا می‌کند. علاوه بر این، با توجه به معنی‌داری اثرات مستقیم، شامل اثر مثبت تصور از خدا روی رضایت زناشویی، اثر منفی تصور از خدا روی ناگویی هیجانی و نیز ناگویی هیجانی روی رضایت زناشویی، می‌توان استنباط کرد که ناگویی هیجانی می‌تواند علت ارتقاء رضایت زناشویی در نتیجه افزایش نمره افراد متأهل در برخی از زیرمقیاس‌های مقیاس تصور از خدا (تصور مثبت از خدا) را تا حدودی تبیین کند. به عبارت دیگر، نوع تصور افراد متأهل از خدا میزان رضایت زناشویی را از طریق تأثیر بر مواردی مانند شدت نشانه‌های ناگویی هیجانی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، دو مورد از پیش فرض‌های در نظر گرفتن یک متغیر به‌عنوان میانجی‌گر، ارتباط معنادار متغیر پیش‌بین با میانجی‌گر و میانجی‌گر با ملاک است. در

این پژوهش، به ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی اشاره شد. با توجه به مطالب مطرح‌شده، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند، تأیید می‌شود.

شکل ۲: دیاگرام مدل نظری پژوهش حاضر



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، ناگویی هیجانی می‌تواند در ارتباط بین تصور از خدا و ناگویی هیجانی نقش میانجی‌گری جزئی ایفا کند. این یافته بدین معناست که علی‌رغم ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی، تصور از خدا نمی‌تواند به‌تنهایی تجربه رضایت زناشویی را تبیین کند. در واقع، ناگویی هیجانی قابلیت آن را دارد که چگونگی و چرایی ارتباط مثبت تصور از خدا با رضایت زناشویی را تبیین کند. بدین صورت که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی موجب تجربه بیشتر رضایت زناشویی در افراد متأهل می‌شود.

افزون بر این، باید به ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی توجه ویژه‌ای داشته باشیم؛ زیرا تنها در این صورت است که ناگویی هیجانی توانایی ایفای نقش میانجی‌گری در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی را دارد. حال، برای تبیین عمیق‌تر این یافته باید ابتدا چگونگی ارتباط تصور از خدا با رضایت زناشویی و سپس، ارتباط تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی مورد بحث قرار گیرد.

تأیید ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی بیانگر این است که رضایت زناشویی افراد متأهل به موازات افزایش نمره آنها در برخی از زیرمقیاس‌های مقیاس تصور از خدا (تصور مثبت از خدا) افزایش می‌یابد. ارتباط مثبت و معنادار بین تصور از خدا و رضایت زناشویی در این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های متعدد، از جمله پژوهش رابرتز (۲۰۱۷)، *دالتون* و همکاران (۲۰۱۸) و *شیکیلا* و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در رابطه با چگونگی به دست آمدن این ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی می‌توان گفت که خداوند می‌تواند در غیاب شریک زندگی، به‌عنوان نماد جایگزین چهرهٔ دلبستگی ازدست‌رفته عمل کند و نایمی تجربه‌شده را به ایمنی مبدل کند (رووات و کیرکپاتریک (Rowatt & Kirkpatrick)، ۲۰۰۲). در همین راستا، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) و *مارکس* (۲۰۰۵) اظهار کرده‌اند که دلبستگی ایمن به خدا و تصور مثبت از خدا به واسطه افزایش احساس حضور خداوند و باور به یاری او، بر افزایش رضایت زناشویی تأثیر قابل‌توجهی دارد. همچنین، *دالتون* و همکاران (۲۰۱۸) اذعان کرده‌اند که تصور مثبت از خدا موجب تظهير و تقدیس زندگی مشترک شده و این امر از طریق تغییر معنا و هدف زندگی مشترک، انگیزه زوجین را برای تعهد نسبت به رابطه زناشویی و فرزندان خود افزایش می‌دهد.

همچنین، براساس نتایج پژوهش *فیض‌آبادی* و *خسروی* (۱۳۸۸) می‌توان این‌گونه استنباط نمود که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش گرایش به طلاق، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند که ارتباط با خدا و تصور مثبت از خدا موجب پیشگیری و اصلاح تعارضات زناشویی شده و این‌گونه رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. البته در زمینه ارتباط مثبت و معنادار بین تصور از خدا و رضایت زناشویی باید به میزان تقید افراد متأهل به انجام اعمال مذهبی نیز توجه کرد. در همین راستا، *گودمن* (۲۰۰۴) بر این باور است که زوجین دارای درجات بالاتر تقید به انجام اعمال مذهبی، حضور خداوند را در زندگی خود برجسته‌تر می‌دانند. اما با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی بین تصور از خدا و رضایت زناشویی در سطح ضعیف (۰/۲۹) است و این مسئله که الزاماً تمام افراد دارای تقید بالا به انجام اعمال مذهبی، حضور خداوند را در زندگی خود برجسته نمی‌بینند، می‌توان گفت که احتمالاً سازه‌های دیگری بر ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند.

بدین صورت که نوع تصور فرد از خدا از طریق تأثیر بر توانایی ابراز و تنظیم هیجانات (جانکر و دیگران، ۲۰۰۸؛ پیدمونت و همکاران، ۱۹۹۷؛ و یور، ۲۰۱۱)، توانایی همدلی (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۲) و سلامت روان‌شناختی (سیلتون، گالک (Silton & Gale)، فلانلی و الیسون، ۲۰۱۴)، بر چگونگی ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد (شرمن و دیگران، ۲۰۱۵)؛ به‌گونه‌ای که تصور منفی از خدا در قالب خدای تنبیه‌کننده و خشن منجر به قضاوت راجع به افراد حاضر در کلیسا، ایجاد دعوا و تعارض بین آنها و در نتیجه، آسیب روابط بین‌فردی می‌شود (کراس، ۲۰۰۸). اشاره به چنین یافته‌ای به دلیل آن است که آسیب روابط بین‌فردی، به‌ویژه در افراد دارای درجات بالاتر ناگویی هیجانی، به‌وفور قابل مشاهده است (گرینبرگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ دمرز و کاون

(Demers & Koven, ۲۰۱۵). از سوی دیگر، با توجه به اینکه روابط زناشویی یکی از بارزترین جلوه‌های روابط بین‌فردی محسوب می‌شود و نیز، تأیید ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی، می‌توان نتیجه پژوهش شرم‌ن و همکاران (۲۰۱۵) را به قلمرو زندگی زناشویی تعمیم داد.

ویل، روتسچایلد، ویس، یازسنزینسکی، سولومون (Vail, Rothschild, Weise, Pyszczynski & Solomon) و گرینبرگ (۲۰۱۰) اشاره کرده‌اند که مذهب می‌تواند از طریق تجویز و تعیین مجموعه‌ای از دستورات موجب شکل‌دهی واکنش‌های هیجانی شود. برای نمونه، باور به قدرت بی‌نهایت خداوند و تداوم حیات پس از این جهان، احساس امنیت فرد را تقویت می‌کند و اضطراب او را کاهش می‌دهد. همچنین، پارگامنت، انسیگ، فالگوت، اولسن، ریلی، وان‌هایتسما و وارن (Ensing, Falgout, Olsen, Reilly, Van Haitsma & Warren) (۱۹۹۰) به روش‌های مقابله مذهبی مانند گفت‌وگو با خدا و طلب کمک از او برای حل مشکل و بریمنر، کول و باشمن (Bremner, Koole & Bushman) (۲۰۱۱) به کاربرد دعا و نیایش در کنترل هیجان‌ها، به‌ویژه کنترل خشم اشاره کرده‌اند. اما کاستیلو و کومری (Costello & Comrey) (۱۹۶۷) اظهار کرده‌اند که سبک دلبستگی اضطرابی به خدا و در نتیجه، تصور منفی‌تر از خدا به افسردگی و اضطراب بالاتر و در واقع، توانایی پایین در تنظیم هیجان‌ها منجر می‌شود. از این رو، همان تفاسیری که در رابطه با چگونگی تأثیر مثبت مذهبی بودن بر رضایت زناشویی مورد توجه قرار گرفت، می‌تواند در زمینه چگونگی ارتباط مذهب با ناگویی هیجانی نیز صادق باشد. به عبارت دیگر، انجام اعمال مذهبی تنها از طریق افزایش تصور مثبت از خدا موجبات ارتقاء توانایی ابراز و تنظیم هیجان‌ها را فراهم می‌کند. در مجموع، با توجه به مطالب مطرح‌شده می‌توان گفت که انجام اعمال مذهبی تنها در صورتی که زمینه را برای تصور مثبت از خدا فراهم کند، بر قابلیت ابراز و تنظیم هیجان‌ها، همدلی و در نهایت، میزان رضایت زناشویی در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین، براساس یافته‌های این پژوهش، بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی ارتباط منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، میزان رضایت زناشویی به موازات افزایش درجات ناگویی هیجانی کاهش می‌یابد. همچنین، ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی با نتایج پژوهش‌های متعدد، نظیر مطالعه میری و نجفی (۲۰۱۷)، درج‌زینی و مرادخانی (۲۰۱۷)، خواجه (۱۳۹۵)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۵) و آنتاس و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. در همین راستا، اسپیریش، متس، برلیسون، هاتفیلد و تامپسون (۱۹۹۵) بر این باور هستند که ویژگی‌های اساسی مورد نیاز برای یک رابطه صمیمی، در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، رو به نقصان است. خواجه و خضری‌مقدم (۱۳۹۵) توانایی همدلی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آسیب‌دیده در این افراد تلقی کرده‌اند که تا حد زیادی موجب کاهش میزان رضایت زناشویی می‌شود. نیاز به وابستگی شدید در برخی از این افراد، بی‌اعتمادی به دیگران (کوردووا و همکاران، ۲۰۰۵) و شک و تردید (میرگین Mirgain) و کوردووا، (۲۰۰۷) را به دنبال دارد. همچنین، براساس گفته وانگلیستی، ریس و فیتزپاتریک (Vangelisti, Reis & Fitzpatrick) (۲۰۰۲)، بی‌ثباتی و آشفتگی

روان‌شناختی تجربه‌شده در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، کیفیت روابط زناشویی و به تبع، رضایت زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، پری و همکاران (۲۰۰۷) اظهار کرده‌اند که تجربه غفلت و سوءاستفاده هیجانی در زنان و سوءاستفاده هیجانی در مردان، از طریق افزایش نشانه‌های ناگویی هیجانی، کیفیت روابط زناشویی و میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش‌های لایورز، مک‌کان، کاندوریس، ادواردز و توربرگ (Lyvers, McCann, Coundouris, Edwards & Thorberg) (۲۰۱۸) و دمزر و کاون (۲۰۱۵) بیانگر این است که افراد با سطوح بالاتر ناگویی هیجانی، به دلیل نقص‌های اساسی در توانایی برای تشخیص و نام‌گذاری صحیح اظهارات چهره‌ای هیجانانگیز و نیز همدلی هیجانی و ذهنی‌سازی، بیشتر مستعد تجربه روابط بین‌فردی مشکل‌آفرین هستند.

علاوه بر این، براساس مبانی موجود در نظریه استرس زوجهی (بودنمن (Bodenmann)، ۲۰۰۵)، عوامل استرس‌زای بیرونی از طریق کاهش مهارت‌های مقابله‌ای دو نفره و افزایش خطر بروز مشکلات روان‌شناختی، بر کیفیت روابط زناشویی تأثیرگذار هستند. با توجه به اینکه آنتاس و همکاران (۲۰۱۵) به ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای زوجهی در پژوهش خود دست یافته‌اند و نیز، نتیجه مطالعه کاجانوجا، اسکینین، کارلسون، کارلسون و کاروکیوی (Kajanoja, Scheinin, Karlsson, L, Karlsson, H & Karukivi) (۲۰۱۷) در مورد ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با سلامت روانی، می‌توان ارتباط منفی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را به گونه‌ای دیگر تبیین کرد؛ بدین صورت که افزایش نشانه‌های ناگویی هیجانی از طریق استفاده کمتر از راهبردهای مقابله‌ای دونفره هنگام رویارویی با تعارضات زناشویی و تخریب وضعیت سلامت روان‌شناختی، کیفیت روابط زناشویی و درنهایت، میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.

- خواجه، فرزانه، ۱۳۹۵، *ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی*، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و روان‌شناسی، قم، دانشگاه علمی - کاربردی استانداری قم.
- خواجه، فرزانه و نوشیروان خضری‌مقدم، ۱۳۹۵، ارتباط ناگویی هیجانی و مشکلات بین‌شخصی با رضایت زناشویی در پرستاران زن متأهل، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، سال هفتم، ش ۱۴، ص ۶۳۰ - ۶۳۸.
- شیخ‌الاسلامی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، *پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس مولفه‌های ناگویی هیجانی*، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره‌ی سوم، تهران.
- فیض‌آبادی، سلیمه و زهره خسروی، ۱۳۸۸، «سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، سال سوم، ش ۵، ص ۳۷-۵۴.
- محمد، سعید، ۱۳۸۰، *بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به کولیت اولسروز و مقایسه‌ی آن با افراد غیرمعتاد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی، چاپ‌نشده، انستیتو روانپزشکی دانشگاه تهران.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، *بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی و دلبستگی به خدا با تصور از خدا*، چاپ‌نشده، پژوهشکده خانواده.
- Atkins, N. P, 2007, *A correlational investigation: Individual spirituality's impact upon workplace stress*, Doctoral dissertation, Capella University.
- Baesler, E. J., et al, 2011, Assessing predictions of relational prayer theory: Media and interpersonal inputs, public and private prayer processes, and spiritual health, *Southern Communication Journal*, V. 76(3), p. 191-209.
- Bagby, R. M., Parker, J. D., & Taylor, G. J, 1994, The twenty-item Toronto Alexithymia Scale—I. Item selection and cross-validation of the factor structure, *Journal of psychosomatic research*, 38(1), 23-32.
- Besharat, M. A, 2009, Alexithymia and interpersonal problems, *Studies in Education and Psychology*, V. 1, p. 129-45.
- Bodenmann, G, 2005, Dyadic coping and its significance for marital functioning. Couples coping with stress: *Emerging perspectives on dyadic coping*, V. 1(1), p. 33-50.
- Bradshaw, M., et al, 2010, Attachment to God, images of God, and psychological distress in a nationwide sample of Presbyterians, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 20(2), p. 130-147.
- Brown, D. A, 2014, *The role of emotion regulation in the formation of an emotional concept of God in evangelical Christians*, Doctoral Dissertations and Projects.
- Brown, G. K., et al, 2005, Cognitive therapy for the prevention of suicide attempts: a randomized controlled trial, *Jama*, V. 294(5), p. 563-570.
- Carton, J. S., et al, 1999, Nonverbal decoding skills and relationship well-being in adults, *Journal of Nonverbal Behavior*, V. 23(1), p. 91-100.
- Cordova, et al, 2005, Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 24(2), p. 218-235.

- Costello, C. G., & Comrey, A. L., 1967, Scales for measuring depression and anxiety, *The Journal of Psychology*, V. 66(2), p. 303-313.
- Culhane, S. E., & Watson, P. J., 2003, Alexithymia, irrational beliefs, and the rational-emotive explanation of emotional disturbance, *Journal of rational-emotive and cognitive-behavior therapy*, V. 21(1), p. 57-72.
- Dalton, H., et al., 2018, Transcendence Matters: Do the Ways Family Members Experience God Meaningfully Relate to Family Life?, *Review of Religious Research*, V. 60(1), p. 23-47.
- Darjazini, S., & Moradkhani, M., 2017, The Relationship between Marital Satisfaction and Alexithymia, *Journal of Ecophysiology and Occupational Health*, V. 17(3-4), p. 141-152.
- Day, R. D., & Acock, A., 2013, Marital well-being and religiousness as mediated by relational virtue and equality, *Journal of Marriage and Family*, V. 75(1), p. 164-177.
- Demers, L. A., & Koven, N. S., 2015, The relation of alexithymic traits to affective theory of mind, *The American journal of psychology*, 128(1), 31-42.
- Dubey, A., et al., 2010, Role of emotion regulation difficulties and positive/negative affectivity in explaining alexithymia-health relationship: An overview, *Indian Journal of Social Science Research*, V. 7(23), p. 20-31.
- Ellison, C. G., et al., 2011, Sanctification, stress, and marital quality, *Family Relations*, V. 60(4), p. 404-420.
- Exline, J. J., 2014, The Religious and Spiritual Struggles Scale: Development and initial validation, *Psychology of Religion and Spirituality*, V. 6(3), p. 208.
- Exline, J. J., et al., 2015, Seeing God as cruel or distant: Links with divine struggles involving anger, doubt, and fear of God's disapproval, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 25(1), p. 29-41.
- Farrokhbadi, F., & GhobaryBonab, B., 2018, A Model Based on the Relationship between Attachment to God and Marital Conflicts Mediated by Religious Coping, *Academic Journal of Psychological Studies*, V. 7(1), p. 9-17.
- Fincham, F. D., et al., 2002, Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy, *Personal Relationships*, V. 9(1), p. 27-37.
- _____, 2008, Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 27(4), p. 362-388.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H., 1989, ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment, *Journal of marital and family therapy*, V. 15(1), p. 65-79.
- Francis, L. J., et al., 2012, Religious diversity, empathy, and God images: Perspectives from the psychology of religion shaping a study among adolescents in the UK, *Journal of Beliefs & Values*, V. 33(3), p. 293-307.
- Gervais, W. M., 2013, Perceiving minds and gods: How mind perception enables, constrains, and is triggered by belief in gods, *Perspectives on Psychological Science*, V. 8(4), p. 380-394.

- Ghorbani, N., et al, 2012, Self-compassion in Iranian Muslims: Relationships with integrative self-knowledge, mental health, and religious orientation, *International Journal for the Psychology of Religion*, V. 22(2), p. 106-118.
- Goddard, H. W., et al, 2012, Character strengths and religiosity as predictors of marital satisfaction in a sample of highly religious and divorce-prone couples, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, V. 11(1), p. 2-15.
- Goodman, M. A, 2004, *How religious couples perceive the influence of God in their marriage*, Order No. 3135949, Doctoral dissertation, Birgham Young University, ProQuest Dissertations & theses Global.
- Granqvist, P, et al, 2010, Religion as attachment: Normative processes and individual differences, *Personality and Social Psychology Review*, V. 14(1), p. 49-59.
- Green, M., & Elliott, M, 2010, Religion, health, and psychological well-being, *Journal of religion and health*, V. 49(2), p. 149-163.
- Grynberg, D., et al, 2010, Alexithymia in the interpersonal domain: A general deficit of empathy?, *Personality and individual differences*, V. 49(8), p. 845-850.
- Hall, T. W., & Sorence, R, 1999, God image inventory. pc Hill & RW Hood, *Measures of religiosity*, p. 399-406.
- Hawkey, L. C., et al, 2009, Loneliness predicts reduced physical activity: cross-sectional & longitudinal analyses, *Health Psychology*, V. 28(3), p. 354.
- Holder, M. D., et al, 2015, The poor subjective well-being associated with alexithymia is mediated by romantic relationships, *Journal of Happiness Studies*, V. 16(1), p. 117-133.
- Homan, K. J., & Boyatzis, C. J, 2010, The protective role of attachment to God against eating disorder risk factors: Concurrent and prospective evidence, *Eating Disorders*, V. 18(3), p. 239-258.
- Horowitz, M. J, 1991, *Person schemas and maladaptive interpersonal patterns*, University of Chicago Press.
- Hudson, D. B., et al, 2000, Depression, self-esteem, loneliness, and social support among adolescent mothers participating in the new parents project, *Adolescence*, V. 35(139), p. 445.
- Humphreys, T. P., et al, 2009, Alexithymia and satisfaction in intimate relationships, *Personality and Individual Differences*, V. 46(1), p. 43-47.
- Hyun, S., & Joseph, H, 2010, Korean pastors and their wives' marital satisfaction and its predicting factors, *Pastoral Psychology*, V. 59(4), p. 495-512.
- Jackson, J. B, et al, 2014, Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis, *Journal of marriage and family*, V. 76(1), p.105-129.
- Jonker, H. S., et al, 2008, Development and validation of the Dutch Questionnaire God Image: Effects of mental health and religious culture, *Mental health, religion and culture*, V. 11(5), p. 501-515.
- Kajanoja, J., et al, 2017, Illuminating the clinical significance of alexithymia subtypes: a cluster analysis of alexithymic traits and psychiatric symptoms, *Journal of psychosomatic research*, V. 97, p. 111-117.
- Kidd, S. A, 2004, "The Walls Were Closing in, and We Were Trapped" a qualitative analysis of street youth suicide, *Youth & Society*, V. 36(1), p. 30-55.

- Kirkpatrick, L. A., 1992, An attachment-theory approach psychology of religion, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 2(1), p. 3-28.
- Kochar, R. K., & Sharma, D., 2015, "Role of Love in Relationship Satisfaction", *The International Journal of Indian Psychology*, V. 3(1), p. 81-107.
- Koenig, H. G., 2012, Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications, *ISRN psychiatry*.
- Kruse, C. G., 2008, *Paul, the law, and justification*, Wipf and Stock Publishers.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C., 2008, The threefold cord: Marital commitment in religious couples, *Journal of Family Issues*, V. 29(5), p. 592-614.
- Lawrence, R. T., 1997, Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and theology*, V. 25(2), p. 214-226.
- Łowicki, P., & Zajenkowski, M., 2016, Emotional intelligence and religiosity: Complex connections and possible explanation, *Personality and Individual Differences*, V. (101), p. 496.
- Luanaiagh, C. Ó., & Lawlor, B. A., 2008, Loneliness and the health of older people, *International Journal of Geriatric Psychiatry: A journal of the psychiatry of late life and allied sciences*, V. 23(12), p. 1213-1221.
- Lyvers, M., et al, 2018, Alexithymia in relation to alcohol use, emotion recognition, and empathy: the role of externally oriented thinking, *American Journal of Psychology*, V. 131(1), p. 41-51.
- Mahoney, A., 2010, Religion in families, 1999–2009: A relational spirituality framework, *Journal of Marriage and Family*, V. 72(4), p. 805-827.
- Marks, et al, 2012, *Sacred matters: Religion and spirituality in families*, Routledge.
- Marks, L., 2005, How does religion influence marriage? Christian, Jewish, Mormon, and Muslim perspectives, *Marriage & Family Review*, V. 38(1), p. 85-111.
- McConnell, K. M., et al, 2006, Examining the links between spiritual struggles and symptoms of psychopathology in a national sample, *Journal of clinical psychology*, V. 62(12), p. 1469-1484.
- Meganck, R., et al, 2012, Reliability and factor structure in an adolescent sample of the Dutch 20-item Toronto Alexithymia Scale, *Psychological reports*, V. 111(2), p. 393-404.
- Miner, M., et al, 2014, Spiritual attachment in Islam and Christianity: Similarities and differences, *Mental Health, Religion & Culture*, V. 17(1), p. 79-93.
- Mirgain, S. A., & Cordova, J. V., 2007, Emotion skills and marital health: the association between observed and self-reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 26(9), p. 983-1009.
- Miri, N., & Najafi, M., 2017, The role of intimacy, loneliness, and Alexithymia in marital satisfaction prediction, *Majallah-i Dānishgāh-i Ulūm-i Pizishkī-i Qum*, V. 11(3), p. 66-74.
- Nangle, D. W., et al, 2003, Popularity, friendship quantity, and friendship quality: Interactive influences on children's loneliness and depression, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, V. 32(4), p. 546-555.
- Noffke, J. L., & Hall, T. W., 2007, Chapter 4. Attachment psychotherapy and God image, *Journal of Spirituality in Mental Health*, V. 9(3-4), p. 57-78.
- Norenzayan, A., et al, 2012, Mentalizing deficits constrain belief in a personal God, *Plos one*, V. 7(5), p. e36880.

- Olson, D. H. 2006, *Four ENRICH couple scales*, Unpublished manuscript.
- Olson, D. H., & Olson, A. K, 2000, *Empowering couples: Building on your strengths*, Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Olson, D. H., et al, 1989, *PREPARE, PREPARE-MC, ENRICH inventories*, Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH.
- Pargament, K. I., et al. 1990, God help me:(I): Religious coping efforts as predictors of the outcomes to significant negative life events, *American journal of community psychology*, V. 18(6), p. 793-824.
- Parker, J. D., Taylor, G. J., Bagby, R. M., & Acklin, M. W. (1993). Alexithymia in panic disorder and simple phobia: a comparative study, *American journal of psychiatry*, V. 150, p. 1105-1107.
- Payer, D. E., et al, 2011, Neural correlates of affect processing and aggression in methamphetamine dependence, *Archives of general psychiatry*, V. 68(3), p. 271-282.
- Perry, A. R., et al, 2007, Childhood psychological maltreatment and quality of marriage: The mediating role of psychological distress, *Journal of Emotional Abuse*, V. 7(2), p. 117-142.
- Phillips III, R. E., et al, 2004, Self-Directing Religious Coping: A Deistic God, Abandoning God, or No God at All?, *Journal for the Scientific Study of Religion*, V. 43(3), p. 409-418.
- Picardi, A., et al, 2011, Genetic influences on alexithymia and their relationship with depressive symptoms, *Journal of psychosomatic research*, V. 71(4), p. 256-263.
- Piedmont, R. L., et al, 1997, Personality correlates of one's image of Jesus: Historiographic analysis using the five-factor model of personality, *Journal of Psychology and Theology*, V. 25(3), p. 364-373.
- Pressman, S. D., et al, 2005, Loneliness, social network size, and immune response to influenza vaccination in college freshmen, *Health Psychology*, V. 24(3), p. 297.
- Qualter, P., et al, 2009, Loneliness, Interpersonal Distrust, and Alexithymia in University Students 1, *Journal of Applied Social Psychology*, V. 39(6), p.1461-1479.
- Roberts, S, 2017, "*A phenomenological analysis of God attachment, romantic attachment, and relationship satisfaction in Christian couples completing an emotionally-focused marital intensive*", Order No. 10638116, Doctoral dissertation, University of Liberty, ProQuest Dissertations & theses Global.
- Robinson, L. C. & Blanton, P. W, 1993, Marital strengths in enduring marriages, *Family Relations*, p. 38-45.
- Rowatt, W., & Kirkpatrick, L. A, 2002, Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs, *Journal for the scientific study of religion*, V. 41(4), p. 637-651.
- Sandage, S. J., 2015, Attachment to God, adult attachment, and spiritual pathology: Mediator and moderator effects, *Mental Health, Religion & Culture*, V. 18(10), p. 795-808.
- Sander, D., & Scherer, K. R, 2009, *The Oxford companion to emotion and the affective sciences*, New York, NY, US: Oxford University Press.
- Schieman, S., et al, 2017, Love thy self? How belief in a supportive God shapes self-esteem, *Review of Religious Research*, V. 59(3), p. 293-318.
- Sherman, A. C., et al, 2015, A meta-analytic review of religious or spiritual involvement and social health among cancer patients, *Cancer*, V. 121(21), p. 3779-3788.

- Shichida, et al, 2015, How the perception of God as a transcendent moral authority influences marital connection among American Christians. *Journal of Psychology and Christianity*, V. 34(1), p. 40-53.
- Silton, N. R., et al, 2014, Beliefs about God and mental health among American adults. *Journal of Religion and Health*, V. 53(5), p. 1285-1296.
- Sprecher, S., et al, 1995, Domains of expressive interaction in intimate relationships: Associations with satisfaction and commitment, *Family Relations*, V. 44(2), p. 203-210.
- Stevens, J. P, 2012, "Analysis of covariance, In Applied Multivariate Statistics for the Social Sciences", *Fifth Edition*, p. 299-326, Routledge.
- Straub, J, 2009, *God attachment, romantic attachment, and relationship satisfaction in a sample of evangelical college students*, Doctoral Dissertations and Projects.
- Taylor, G. J., et al, 2003, "The 20-Item Toronto Alexithymia Scale: IV. Reliability and factorial validity in different languages and cultures", *Journal of psychosomatic research*, V. 55(3), p. 277-283.
- Taylor, G. J., et al, 2014, "Alexithymia and adult attachment representations: associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment", *Comprehensive psychiatry*, N. 55(5), p. 1258-1268.
- Untas, A., et al, 2015, "Is alexithymia associated with dyadic coping in couples?", *The American Journal of Family Therapy*, V. 43(2), p. 119-131.
- Vail, K. E., et al, 2010, "A terror management analysis of the psychological functions of religion", *Personality and Social Psychology Review*, V. 14(1), p. 84-94.
- Van Cappellen, P., 2016, "Religion and well-being: The mediating role of positive emotions", *Journal of Happiness Studies*, V. 17(2), p. 485-505.
- Vangelisti, A. L., et al, 2002, *Stability and change in relationships*, Cambridge University Press.
- Wachs, K., & Cordova, J. V, 2007, "Mindful relating: Exploring mindfulness and emotion repertoires in intimate relationships", *Journal of Marital and Family therapy*, V. 33(4), p. 464-481.
- Watts, F, 2016, *Self-conscious emotions, religion and theology, In Issues in Science and Theology: Do Emotions Shape the World?*, Springer, Cham, p. 201-210.
- Weaver, A. C, 2011, *Investigating the role of God attachment*, adult attachment and emotion regulation in binge eating.
- Zhu, X., et al, 2007, "Cross-cultural validation of a Chinese translation of the 20-item Toronto Alexithymia Scale", *Comprehensive Psychiatry*, V. 48(5), p. 489-496.
- Zimmermann, G., et al, 2007, "The 20-item Toronto Alexithymia Scale: Structural validity, internal consistency and prevalence of alexithymia in a Swiss adolescent sample", *L'encéphale*, V. 33(6), p. 941-946.